



گزارش و تحلیل رخداد جمعه 27 اردیبهشت بر مزار طالقانی

در روز جمعه 27 اردیبهشت ماه 1387، همزمان با چهل و هفتمین سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران، ماموران امنیتی در مورد حضور اعضای این حزب بر مزار یکی از بنیانگذاران آن کارشکنی کردند.

نیروهای امنیتی - که احتمالاً به مدد شنوهای غیر مجاز اعضای نهضت کشف کرده بودند که بنابر تصمیم دفتر سیاسی نهضت، برای پرهیز از هرگونه درگیری و خشونت، قرار شده است که تنها معدودی از مسئولان و اعضا با حضور بر مزار آیت الله طالقانی و خواندن قرآن، با روش و منش و آرمانهای بنیانگذاران این حزب تجدید پیمان کنند - از نخستین ساعات بامداد جمعه، با حضور در محل، مانع حضور دوستان و همزمان آیت الله طالقانی بر مزار ایشان می شدند.

همانگونه که در اخبار رسانه های مستقل نیز انتشار یافت، این جلوگیری گاهی به خشونت و اهانت می گرایید و برخی از اعضای نهضت آزادی مورد ضرب و شتم و هتاکی ماموران قرار گرفتند.

البته، برای نهضت آزادی ایران - که چهل و هفت سال از تاسیس آن بوسیله رادمردانی چون مهدی بازرگان، یداله سبحانی و سید محمود طالقانی، در ایران و سپس تأسیس شاخه های آن با همت مصطفی چمران و علی شریعتی در خارج از کشور، می گذرد چنین برخوردهایی تازگی ندارد.

در دوران ستمشاهی، ماموران ساواک بارها مانع حضور مبارزان ملی بر مزار دکتر محمد مصدق می‌شدند. در یکی از نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب نیز، هنگامی که اعضای نهضت بر مزار آیت الله طالقانی حضور یافته بودند، مورد هجوم نیروهای امنیتی قرار گرفتند و حتی در بیابانهای اطراف کهریزک صحنه های اعدام انقلابی!! ایشان به نمایش گذاشته شد. آخرین مورد پیشین، در فروردین ماه گذشته رخداد که ماموران برای برگزاری مراسم سالگرد درگذشت دکتر یدالله سبحانی در آرامگاه امامزاده عبدالله محدودیت ایجاد کردند. گویا محدودیتها و فشارهای امنیتی بر اعضای این حزب حتی با درگذشت آنان نیز پایان نمی یابد و قدرت‌مداران حتی از جسد مبارزان آزادی نیز در هراسند.

متأسفانه، نیروهای امنیتی بخاطر اینگونه عملکردهای نسنجیده و نابخردانه در برابر نهادهای قانونی پاسخگو نیستند تا بتوان شکایت از آنان را در آن نهادها پیگیری کرد و در حالی که در سکوت بسیاری از مسوولان حاکمیت لبخند رضایت از این گونه رفتارها به چشم می‌خورد، چنین به نظر می‌رسد که نه تنها در قوه مجریه، بلکه در قوای قضائیه و مقننه نیز کسی در صدد برخورد با ناقضان حقوق شهروندی نیست.

در شرایط فعلی، مهم تر از اعتراض به چنین رفتارهای نادرست بررسی و تحلیل چرایی این گونه اقدامات است تا بتوان برای تداوم فعالیت سیاسی منتقدان راهبردی کارساز در برابر تمامیت خواهان و اقتدارگرایان برگزید.

به نظر می‌رسد که شاخه امنیتی نیروهای اقتدارگرا، با جلوگیری از برگزاری مراسم یادبود و نکوداشت بزرگان دین و سیاست در ایران و افزایش فشار بر فعالان سیاسی و اجتماعی، بیش از آنکه در فکر محدود ساختن آنان باشد در صدد رساندن این پیام به فعالان جامعه مدنی است که آستانه تحمل حاکمیت به پایین ترین سطح ممکن رسیده است و حاکمان هیچ گونه فعالیتی را از مخالفان و منتقدان بر نمی تابند.

برخوردهای اهانت آمیز با جمعی از فعالان باسابقه سیاسی بر مزار آیت الله طالقانی نیز اعلام این نکته است که حاکمان برای اجرای سیاستهای امنیتی و سیاسی خویش از شکستن هرگونه حریمی رویگردان نیستند و در سال گذشته بارها به روشهای مختلف سعی کرده‌اند که فعالان سیاسی و اجتماعی را متوجه این ظرایف کنند.

گویا اقتدارگرایان نتایج سیاست امنیتی رژیم پهلوی در سالهای 42 تا 55 و سیاستهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در دهه 60 را رضایت بخش تلقی می‌کنند و امیدوارند که با سرخوردگی و ناامید شدن جوانان فعال در عرصه سیاست از راهبردهای اصلاح طلبانه و مسالمت آمیز و

تغییر گفتمان انتقادی مسالمت‌آمیز دگراندیشان جامعه به گفتمان غیر مسالمت‌آمیز، تجربیات محمد رضا پهلوی در سالهای دهه پنجاه و جمهوری اسلامی در دهه 60 را تکرار کنند.

ظاهراً اقتدارگرایان امیدوارند که در صورت تغییر فضای برخورد میان حاکمیت و منتقدان از صحنه سیاست و مطبوعات و رقابتهای انتخاباتی به مبارزات غیر مسالمت‌آمیز، خواهند توانست که با بهره‌گیری از توانمندی‌های فیزیکی اعتراضات را آنچنان پاسخ دهند که تا سالها جرات ابراز هرگونه اعتراضی در جامعه باقی نماند.

سران نهضت آزادی ایران، هنگامی که در سال 42 در بیدادگاه نظام استبداد شاهنشاهی محاکمه می‌شدند، هوشمندانه چنین آینده‌ای را برای رژیم سلطنتی پیش‌بینی کرده بودند و پس از آن که مهندس بازرگان آشکارا به مسوولان آن رژیم هشدار داد که " ما آخرین گروهی هستیم که با شما به زبان قانون سخن می‌گوییم"، آیت الله طالقانی نیز با ذکر آیاتی از کلام الله مجید آنان را نسبت به فرجام‌گزینش چنان روشی انداز داد. " الم تر کیف فعل ربک بعاد ... و فرعون ذی الاوتاد"

در آن زمان، مسوولان نظام شاهنشاهی نخواستند یا نتوانستند معنای پیش‌بینی بزرگان نهضت آزادی ایران را درک کنند و سالها بعد " جزیره ثبات " شان، بر اثر بی‌اعتنایی به آن پیش‌بینی، آنچنان بی‌ثبات شد که با انقلاب مردمی سال 57 فرو پاشید.

البته امروز، باتوجه به تغییر شرایط و مناسبات ملی و جهانی، باید به حاکمان یادآوری کرد که به این امید نباشند که ما آخرین کسانی باشیم که به صورت مسالمت‌آمیز مبارزه می‌کنند. حتی اگر آنان فشارها را افزایش دهند، نسل جوان امروز ایران به چنان بلوغ و درک سیاسی دست یافته است که برای آنچه می‌خواهد تلاش و مبارزه میکند نه برای آنچه نمی‌خواهد و در این راه همچنان بر ادامه فعالیت اصلاح طلبانه و مسالمت‌آمیزش پایداری خواهد ورزید و عرصه مبارزه اصلاح طلبانه و مسالمت‌آمیز عرصه‌ای است که در آن اقتدارگرایان هیچ بهانه و اسلحه کارآمدی ندارند و محکوم به شکستند.

نهضت آزادی ایران